

عنوان مقاله:

« اصلح »

نویسنده:

محمود رشنواز

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه آزاد

اسلامی ، دبی، امارات

صالح بعد الصالح

محمود رشنواز

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه)

۱۴۰۴/۱۲/۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

سحرگاه یازدهم رمضان سال ۱۴۰۴ هجری شمسی، مردم ایران، خبری را شنیدند که در ابعاد مختلف خود، همگی را، تمامی گروه‌های موافق و مخالف را شوکه کرد، شوک این خبر نه از جهت اهمیت آن صرفاً بلکه به جهت تغییر دیدگاه‌ها و سخنانی است که سابق بر آن در رابطه با ماجرا بود. خبر از شهادت مردی می‌گفت که اسوه‌ی پایداری بود. خبر شهادت رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران، از شبکه خبر با بغض سنگین مجری این شبکه قرائت شد. دوستدارانش، غم از دست دادن او را مصیبتی بزرگ می‌دانستند و دشمنان او، از این شوکه بودن که همگی تصور می‌کردند، مقام رهبری، در لایه‌های چندگانه امنیتی و حفاظتی، در مکانی نامعلوم و در زیر زمینی مستحکم، تحت مراقبت است، حال که این بزرگ مرد، در اتاق ساده‌ی خود و در محل کار خویش، در منصب ولایت فقیه و رهبری نظامی ایستاده بود که سالها برای آن جنگیده بود و خون دل خورده بود. همگی فهمیدند، آرزوی شهادت او، صرفاً برای دیگران نبود، به راستی او بهترین مرگ را انتخاب کرد، چنان که دکتر شریعتی فرمود: خداوند، تو چگونه زیستن را به من بیاموز، من چگونه مردن را خود انتخاب خواهم کرد. او شهادت را انتخاب کرد، با هیچ سناریو دیگری نمیشد، به این شکل، از نظام جمهوری اسلامی ایران، پاسداری کند، این قائد ستودنی، تمامی راهبردهای دفاعی، امنیتی و حکمرانی را برای حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران، در طول ۳۷ سال رهبری خود، استفاده کرد. در نهایت، به گفته‌ی خودش، جان ناقابل و جسم ناقص و اندک آبرویش را در طبق اخلاص گذاشته و فدا کرد. مردان بزرگ، نه در سخن که در عمل عقاید خود را اثبات می‌کنند. شاید داوری این رویداد، در تاریخ آینده‌ی ایران، و در وقایع آتی، بتواند با کیفیت بهتری برای عموم ارائه گردد. نتایج این امر مهم می‌تواند برای همگی نمایانگر بزرگی و عظمت آن باشد.

و اما بعد از رهبری، نیاز به رهبری دیگر است، این موضوع هم موکد قانون اساسی است و هم نیاز اساسی حاکمیت. رهبری جدید، می‌تواند از هر گرایش و هر تفکری باشد، ساز و کار انتخاب آن پیش بینی شده است و اتفاقی است که سابقاً نیز رخ داده است، بنابراین نه خلاء قانونی وجود دارد و نه خلاء اجرائی، در این بین مجلس خبرگان رهبری، تکلیفی خطیر مانند ۳۷ سال قبل را بر عهده دارد، سنجش نیاز جامعه، پیش بینی، خصوصیات لازم رهبری در زمان فعلی و لحاظ تمامی شرایط از جمله شرایط گذار و جنگ تحمیلی امروزی است که می‌تواند انتخاب را رقم بزند. رهبری امروز، صرفاً یک حکمران سیاسی و فقهی نیست، رهبری باید که بر پایه‌ی ایدئولوژی شکل گرفته و راهبردهای اتخاذ شده رهبر شهید، گام بردارد. پرچم باید به دست کسی باشد که همان تفکر و همان استقلال و شجاعت را آموخته باشد، فردی در همان تفکر و مکتب بزرگ شده و نه در گروه و نه در جناحی سیاسی وابسته باشد، سهمی را در نظر نگیرد و با تمام وجود خود به میدان بیاید. رهبر شهید همیشه خود را فردی انقلابی و نه سیاسی می‌دانست، سیاست را عامل تزویر و مصالحه می‌دانست، آری این رهبر شهید است که می‌تواند رهبری جدید را در دامن خود پرورش داده باشد، شخصی از سلاله‌ی پاک و تربیت یافته‌ی این پدر عظیم الشان باشد. فرزندان سید علی به مانند فرزندان مولای متقیان، امیر المومنین علی (ع) در کنا او ماندند، یکی از

ایشان شهید شد و دیگران نیز تا آخرین نفس او را یاری نمودند. فرزند خلف ایشان می‌تواند سکان دار رهبری جدید این نظام نوپا و البته استوار جمهوری اسلامی ایران باشد. فردی که نه در مناسبات سیاسی و رقابت‌های انتخاباتی حضور داشته است، نه در کمشکش‌های حزبی و جناحی جانبداری نموده، این فرزند بزرگوار، سال‌ها در کنار پدر، مشق سیاست و شجاعت کرده است، از نزدیک شاهد خون دل خوردن پدر بوده است، گذشته‌ی او عاری از هرگونه سابقه‌ی سوء بوده، کمتر سخن می‌گوید و مانند پدر، حرف‌هایش را ابتدا به فعل رسانده است. تنها از چنین فردی می‌توان انتظار داشت در شرایط فعلی مرحمی باشد بر زخم دل مردم داغ‌دیده، مردم در حمایت از این رهبری جدید به پا خواهند خواست، حضور او را در جایگاه پدر، امیدی برای خود خواهند ساخت تا بتوانند این غم بزرگ را فراموش کنند. رهبری عظیم الشان، با درایتی وصف‌ناپذیر، در ۴۷ سال بعد از انقلاب اسلامی و در عرصه‌های مختلف از جهاد و اقتصاد و حاکمیت اسلامی، مکتبی را پایه‌گذاری کرد که حیرت دشمنان را نیز به دنبال داشته است. این قائد بزرگ، روح دین‌داری را سیاست و اجتماع امروزی دمید، ثابت کرد دین و سیاست جدا نیستند، رهبری امت اسلامی شایسته‌ی فردی است که بتواند این ایدئولوژی را پیگیری نماید. تفکر و مکتب بنا شده، باید استمرا داشته باشد و متعالی گردد، آنقدر جا برای پیشرفت و امید به آینده در این تفکر وجود دارد که می‌تواند جهانی را بسازد سرشاز از معنویت، جهانی که در آن قدرت نظامی، خود را محق به هرگونه مداخله و تسخیر می‌داند، غافل از اینکه این قدرت معنویت است که پیروز خواهد شد. ایران نیاز به رهبری دارد برای تقویت قدرت معنوی خود، آنچه امروز ایران را در مقابل ابرقدرت بزرگ جهات معاصر مستحکم گردانیده است، ریشه‌های تفکر سید علی خامنه‌ای است که اکنون در اختیار فرزندش مجتبی خامنه‌ای قرار دارد. این سرمایه‌ی عظیم باید در اختیار ایشان قرار می‌گرفت، پاسداری از این پتانسیل بزرگ و از این ریشه‌های اعتقادی، نیاز به تعصب خونی و غیرت فرزندی دارد. ما خود را به دست فردی می‌سپاریم که یارای مقابله با دشمنان قسم‌خورده را داشته باشد.

شجاعت، استقلال و علم به راهبرهای حکمرانی مبتنی بر ولایت فقیه و بنیان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند این رهبری را مشخص کند. در اندیشه‌های این امام شهید، مقابله با نفوذ، دشمن‌شناسی، پاسداری از دین و حفظ وحدت ایران، به طرز آشکاری قابل مشاهده است. تنها کسی که می‌تواند این خصوصیات را یکجا از ایشان به اثباده باشد، کسی است که در تربیت یافته در منزل و مکتب ایشان باشد. جای شکر از خداوند متعال که این سرزمین، مردانی دارد مردپرور، رهبری و بزرگی در خون این مرد نهفته بود، هیچ انسانی نمی‌تواند منکر این باشد که بذل جان فقط برای عقیده است و برای مردم، آنکه شهادت را آرزو می‌داند و پاسخ تمام منتقدان را با خون خویش می‌دهد، فرزندی خواهد داشت که می‌تواند این پاکی را سرمایه و آبروی خود قرار دهد، در واقع رهبری جدید به جهت برخورداری از تمامی خصوصیات رهبر شهید و نیز به جهت حفظ اعتبار ایجاد شده، به خطا نخواهد رفت، نیرویی عظیم است این اعتبار که او را در خط اعتدال و استقلال حفظ خواهد نمود. در شرایط امروز صرفاً عالم فقیه و شخصی با سابقه مدیریتی و سیاسی غنی، در منصب رهبری نمی‌تواند قائد ایران باشد. ایران در

حال حاضر بزرگتر و قدرتمندتر از نیم قرن پیش است، در گذرگاهی بسیار خطیر قرار دارد، دشمنانی با قدرت نظامی فوق تصور قصد بلعیدنش را دارند. رهبری جدید همان شخصی است که این خطرات را مانند پدر به درستی شناخته باشد، راه مقابله با آن را بداند و همراهی تمامی گروه‌ها را جلب نماید، مجتبی خامنه‌ای فردی است که در جایگاه رهبری پدر خویش از این خصوصیات و از تمامی این راهبردها آگاهی داشته و در گذر از این مخاطرات کنونی می‌تواند نجات بخش ایران سرافراز باشد. امید که او نیز مانند پدر، اوج اقتدار را برای ایران به ارمغان آورد، دشمنان را ناامید کرده و مخالفان را جذب خود کند، وحدت و وفاق را به جامعه بازگرداند و آرامشی در خور این ملت بزرگ ایجاد نماید که این آمل قطعا دست یافتنی است، همگی تحت لوای این رهبری جدید، پیشگام وحدت باشیم و مکتب عظیم شکل گرفته را پرچمدار باشیم.

انشالله

https://farsnews.ir/mahmoud_rashnavaz ۱۷۷۲۹۶۶۲۰۳۲۶۵۵۵۰۳۴۱/۱۳۵۴

Title :

« Advisable »

the writer:

Mahmoud Rashnavaz

**Doctoral student of International Law, Emirates
Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE
member of the center of lawyers, official experts
and consultants of the judiciary**

۲۰۲۶/۰۳/۰۹